

نهادهای واحدهای اقتصادی شود، وضعیت بورس را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این رابطه، بی‌شک صنایعی همچون فلزات اساسی، سیمان و کانی‌های غیرفلزی که از صنایع انرژی‌بر هستند، تأثیر بسیار زیادی از هدفمندسازی یارانه‌ها می‌گیرند و چون ساختار درآمدی آنها تغییر خواهد کرد، این تأثیر به بورس هم سرایت می‌کند. البته این مورد باید با در نظر گرفتن سیاست‌های تدوین شده برای حمایت از صنایع، مورد تحلیل قرار گیرد.

در پایان، به نظر می‌رسد بورس اوراق بهادار کشور در مسیر رشد خود در سال ۸۹ با راه‌اندازی بازار ابزار مشتق با هدف تنوع‌بخشی به محصولات و همچنین پوشش ریسک، راه‌اندازی بازار اوراق مشارکت به منظور کمک به تأمین مالی بنگاه‌ها، فراهم کردن بازار نقد در جهت سهولت آزادی ورود و خروج سرمایه‌گذاران با کمترین هزینه و زمان، تدوین دستورالعمل و آیین‌نامه‌های لازم برای سامان بخشیدن و قانونمندتر کردن ساختار قانونی معاملات، پذیرش شرکت‌های جدید، افزایش شفافیت اطلاعاتی، تعامل با ذینفعان و برنامه‌هایی برای جذب مشارکت‌کنندگان و سرمایه‌گذاران جدید به کسب جایگاه واقعی بازار سرمایه در اقتصاد ملی نزدیک شود. ■

۲۹ درصد از محصول ناخالص داخلی (GDP) در سال ۸۵ صرف یارانه‌ها شد که بخش قابل توجه آن مربوط به انرژی بوده است. یارانه‌ها هر چند منفی را برای بنگاه‌های تولیدی و شهروندان دارند، اما آثاری منفی هم به همراه خواهند داشت که از آن جمله می‌توان به کاهش بهره‌وری انرژی و اتلاف منابع اشاره کرد. از این رو هدفمند کردن یارانه‌ها به عنوان یک انقلاب اقتصادی در کشور مورد پذیرش است، اما اجرای این طرح نگرانی‌هایی را برای فعالان اقتصادی ایجاد کرده و بسیاری بر این عقیده‌اند که اصلاح قیمت حامل‌های انرژی از طریق ایجاد نوسان در سودآوری، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

### هدفمندی در کمین بازار

با توجه به سیاست دولت مبنی بر افزایش پله‌ای قیمت‌های انرژی یا کاهش پله‌ای یارانه‌ها می‌توان انتظار داشت که شرکت‌های تولیدی با تغییر یا اصلاح ساختار تولید خود بتوانند حاشیه سود را پوشش دهند و البته شرکت‌های پذیرفته شده می‌توانند با شفاف‌سازی اطلاعات، اعتماد سرمایه‌گذاران را فراهم آورند. به هر تقدیر، افزایش قیمت انرژی و به طور کلی هر سیاست دیگری که منجر به تغییر قیمت

### نظام بانکی و تعامل با سایر بخش‌های اقتصادی کشور

## نظام بانکی و اقتصاد: تعامل یا تقابل؟

### ارزیابی آقای پرویز کاظمی، نایب رییس هیأت مدیره بانک سرمایه، از تأثیر و تأثر متقابل نظام بانکی و زیرساخت‌های اقتصادی کشور



کالا و تکنولوژی وابسته هستند، تأثیرات بیشتری از افزایش تورم جهانی خواهند پذیرفت. باید اذعان داشت که افزایش سطح جهانی تورم به مشکلات داخلی کشور ما دامن می‌زند و این امر

منجر به بروز عوارض و نابسامانی اقتصادی تولیدکنندگان معتبری همچون فعالان صنعت فولاد خواهد شد. بی‌شک این اشخاص مدیون سیستم بانکی می‌شوند و مشکلات این فعالان اقتصادی به بانک سرایت می‌کند، اما اگر یک سیستم سالم و کارآمد اقتصادی داشته باشیم، همه می‌توانند بدون هیچ مشکلی کار خود را پیش ببرند.

### یارانه‌ها و سیستم بانکی

با وجود آن که بحث هدفمندی یارانه‌ها به شکل قانون درآمده، ولی اجرای آن شاید در مقطع کنونی مناسب نباشد. در واقع، با توجه به بحران جهانی و تأثیرات آن بر اقتصاد کشور، اجرای این قانون می‌تواند برای ما شکننده باشد. البته هیچ کس منکر لزوم هدفمند شدن یارانه‌ها نیست، ولی این که این کار چگونه انجام شود، بسیار مهم و حساس است؛ به ویژه آن که تورم ایجاد شده ناشی از اجرای این قانون تا حدود زیادی قطعی است. طبیعی است وقتی قیمت تمام شده محصولات کارخانجات افزایش یابد، بهای تمام شده فروش نیز افزایش خواهد یافت و چنانچه خریداری برای این کالاها - آن هم با این قیمت - وجود نداشته باشد، مشکل این واحدها افزایش می‌یابد. مجموعه این عوامل می‌تواند منجر به کاهش توان واحدهای صنعتی برای بازپرداخت دیون و افزایش مطالبات معوق

یکی از مهمترین شاخص‌های ارزیابی بهبود اقتصاد در هر کشور، سطح درآمد سرانه است و میزان آن به خوبی می‌تواند وضعیت رشد اقتصادی آن کشور را نشان دهد.

در کشورهایی مثل ایران، کویت و سایر کشورهای نفتی، افزایش درآمد سرانه مقطعی بوده و این بدان دلیل است که افزایش مذکور از طریق فروش نفت صورت می‌گیرد، در حالی که افزایش این شاخص در کشورهایی همچون آلمان و نیوزیلند، متأثر از فروش دانش و تکنولوژی است. در این بین بخشی از چرخه رونق اقتصادی به سیستم بانکی کشور مربوط است که با پشتیبانی‌هایی که از سیاست‌های انبساطی یا انقباضی دولت انجام می‌دهد، بر اقتصاد تأثیر می‌گذارد. در عین حال، اگر فرآیندهای ما مناسب عمل کنند، سیستم بانکی ما نیز می‌تواند مناسب فعالیت کند، ولی اگر فرآیندها و سیاست‌های کشور نامتجانس باشند، نظام بانکی در ورطه‌ای خواهد افتاد که عملاً خروج از آن بسیار مشکل خواهد بود.

یکی از شاخص‌هایی که برای ارزیابی موفقیت سیستم بانکی تعریف شده، میزان معوقات است. اگر میزان دیون و بدهی‌ها، رقم متعارف و معقولی داشته باشند، می‌توان گفت اقتصاد روال طبیعی خود را طی می‌کند، ولی اگر حجم مطالبات معوق بانک‌ها افزایش یابد، مسلماً نگرانی‌هایی را به همراه خواهد آورد. به علاوه اگر تعریف ما از معوقات بانکی تعریف دقیقی نباشد، اعدادی هم که اعلام می‌شوند، متفاوت و نادرست بوده و لذا این تعریف به اشتباهات محاسباتی در تحلیل‌های حاصله منجر خواهد شد.

در کنار این مطلب باید گفت اگر عوارضی که در اقتصاد شاهد آن هستیم، طولانی مدت و مزمن باشند، معلوم است که ما مشکل اساسی داریم و این مشکلات با تجویزهای کوتاه مدت و مقطعی رفع‌شدنی نیستند. شاهد این مدعا وجود تورم در کشور است. کشورهایی مثل ایران که به واردات

لازم برای بخش خصوصی فراهم باشد و سرمایه‌گذاران امکان حضور را در داخل بیابند، تولیدکنندگان داخلی هم با علاقه بیشتری به کار خود ادامه خواهند داد. به علاوه، سرمایه‌گذاران خارجی به حضور در کشور ما ترغیب می‌شوند. برای تحقق این موضوع به قانون مناسب و حمایت‌های کافی از بُعد قانون و آیین‌نامه‌های اجرایی مناسب و همچنین نیروی انسانی کارآمد نیاز داریم.

با وجود همه مشکلات موجود، در کشور ما مزیت‌هایی وجود دارند که بسیاری از کشورهای دیگر از آنها بی‌بهره‌اند. در حال حاضر ما از دو مزیت عمده در کشور برخوردار هستیم. یکی از آنها نیروی انسانی فراوان و دیگری، منابع و ذخایر خدادادی است. استفاده صحیح از این دو نعمت، می‌تواند کمک شایانی به رشد اقتصادی کشور نماید. باید بهای بیشتری به نظرات و تحلیل‌های کارشناسی بدهیم و در مورد برنامه‌هایی همچون سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، تحلیل‌های واقع‌بینانه‌تری ارائه کنیم و ببینیم آیا واقعاً ما در مسیر تعیین شده حرکت می‌کنیم؟ فاصله ما با اهداف مندرج در چشم‌انداز چقدر است؟ تاکنون به چه میزان از اهداف چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور دست‌یافته‌ایم؟ برنامه پنج‌م توسعه و همچنین بودجه ۸۹ چقدر با اهداف کلان کشور همخوانی و همسویی دارند؟ پاسخ به این سؤالات، خط‌مشی آتی کشور برای اصلاح مشکلات در سال جاری خواهد بود. ■

بانکی شوند. البته در کنار این مسایل، باید به این نکته هم توجه داشت مسایل اقتصادی از پیچیدگی‌هایی برخوردار هستند که به صورت یک شبه و دستوری قابل حل و فصل نیستند، لذا باید همه پارامترهای تأثیرگذار در مشکلات اقتصادی لحاظ شوند.

### امنیت اقتصادی، لازمه سرمایه‌گذاری

کسانی که در جهان به امر سرمایه‌گذاری مشغول هستند، ابتدا به بانک‌های اطلاعاتی مراجعه کرده و شاخص‌های اقتصادی کشوری را که می‌خواهند در آن سرمایه‌گذاری کنند مورد بررسی قرار می‌دهند. یکی از این شاخص‌ها، امنیت اقتصادی است. متأسفانه در آمارهای جهانی، ایران به عنوان کشوری با امنیت اقتصادی پایین به حساب می‌آید، در حالی که رونق اقتصادی در هر جامعه‌ای منوط به مدیریت صحیح اقتصادی در ابعاد خرد و کلان و اهتمام به جایگاه بخش خصوصی در آن جامعه است. در صورتی که نگاهی به نحوه اجرای اصل ۴۴ این سؤال را مطرح می‌سازد که واقعاً چه میزان از واگذاری‌ها به بخش خصوصی حقیقی بوده است؟

در حال حاضر با توجه به آمارهای موجود، ایرانیان مقیم خارج از کشور صاحب حدود هزار و ۴۰۰ میلیارد دلار سرمایه هستند. حال اگر در کشور، امنیت

### صنعت نفت و ضرورت‌های توسعه سرمایه‌گذاری در آن

## چشم‌انداز مات نفت



### ارزبابی دکتر حجت‌الله غنیمی فرد، معاون امور سرمایه‌گذاری در شرکت ملی نفت

شود. خوشبختانه ظرف یکی دو سال گذشته، شرکت ملی نفت ایران سعی کرده بخشی از ساختارهای خود را از لحاظ سازمانی - و نه نیروی انسانی - اصلاح کند و از این طریق، مانع از طولانی شدن مذاکرات و روند تصمیم‌گیری‌ها شود.

بنابراین، مجموعه عوامل فوق را می‌توان در به وجود آمدن برخی از تأخیرها در اجرای قراردادها ذکر کرد. با این حال، اینگونه نیست که وزارت نفت قراردادهایی را که باید اجرا می‌کرده، تمام نکرده باشد. هر چند برخی از این موارد صرفاً به دلیل ملاحظات فعلی در صحنه بین‌الملل و فشارهایی که از سوی برخی از کشورها با محوریت آمریکا اعمال شده، به اسم کشور یا شرکت خاص اعلام نشده است.

### تنوع بخشی در تأمین مالی

بر اساس سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، برای بخش بالادستی صنعت نفت باید بتوانیم طی ۵ سال ۱۵۰ میلیارد دلار سرمایه جذب کنیم تا با انجام به موقع وظایف محوله، به بخشی از اهداف چشم‌انداز نزدیک شویم. طبیعی است که هر مقدار کمتر از آنچه در سند درج شده تحقق یابد، به معنای دور شدن از اهداف خواهد بود.

نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که اقتصاد ایران برای رسیدن به اهداف چشم‌انداز نیازمند پشتوانه است، ولی این پشتوانه بر اساس واقعیت‌های موجود تا آن زمان هنوز به نفت وابسته خواهد بود و اگر صنعت نفت کشور از لحاظ امکانات و نیروی انسانی به خوبی پشتیبانی نشود، نه تنها بخش نفت، بلکه دیگر

شاید مهمترین مشکلات کشور در سال گذشته در حوزه‌های تأمین مالی، بحران اقتصادی جهان و اثرات آن بر اقتصاد ایران بود، به طوری که عملاً بخش‌های مالی پشتیبان شرکت‌های بزرگ تأمین‌کننده نفت و گاز جهان و ایران، به دلیل کمبود نقدینگی قادر نبودند مانند سنوات گذشته به تأمین مالی بپردازند و اشتیاق چندانی به حضور در صنعت نفت و گاز کشور ما نداشتند. لازم به ذکر است، اگرچه بخشی از این مشکل به تحریم‌های آمریکا و همراهی کشورهای اروپایی با این کشور برمی‌گردد، ولی نگاهی به آمارهای مربوط به سال ۲۰۰۹ - که ۹ ماه از سال ۸۸ ایران هم با آن مصادف بوده - نشان می‌دهد بسیاری از کشورهایایی که حتی طرف‌های سنتی ایران برای تأمین منابع مالی صنعت نفت و گاز کشور در بخش‌های بالادست و میان‌دست محسوب می‌شوند، با مشکلات جدی در اقتصاد کشور خود دست به گریبان بودند. لذا قسمتی از عکس‌العمل این کشورها را باید مربوط به رکود شدید حاکم بر اقتصاد آنها دانست؛ هر چند بسیاری از آنها سعی کردند از این شرایط استفاده سیاسی نمایند. انگیزه سیاسی مذکور باعث شد این کشورها، عدم امکانات مالی و اقتصادی کشورشان را نادیده انگارند و این‌طور القا کنند که به دلیل همراهی با سیاست‌های آمریکا، حضور خود را در صنعت نفت و گاز ایران کاهش داده‌اند.

اما تعدادی از شرکت‌هایی هم که طرف قرارداد ایران بودند، هنوز در داخل کشور مشغول کار هستند و بعضی دیگر از کشورهای اروپایی، مذاکراتشان را به صورت جدی با ایران ادامه می‌دهند. در حال حاضر ممکن است برخی فقط در یک پروژه خاص حضور نداشته باشند، ولی کماکان در سایر پروژه‌ها به عنوان یک گزینه مطرح هستند. نکته دیگر این است که اگر در تشکیلات یک سازمان، مدت زیادی تغییرات ساختاری (در حوزه سازمانی و نرم‌افزاری) ایجاد نشود، این امکان وجود دارد که بروز هر گونه مشکل در نحوه انجام کار، به تأخیر در اجرای مراحل یک قرارداد منجر